

«جرم»

افترا

در حقوق

ایران

و

لبنان»

فاطمه صالح پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

■ جامعه انسانی از ابتدای زندگی گروهی با فرآیندهای مجرمانه درگیر بوده و به منظور حفظ منافع فردی و جمعی در مقابل تعرض کنندگان به سنت‌ها و آداب و رسوم از خود واکنش را نشان داده است مع ذلک در ارتباط با بررسی جرم افترا که یکی از مصادیق جرایم علیه شرافت و میثیت اشخاص می‌باشد از منظر قانون گذار ایران و قانون گذار لبنان باید بیان نمود که این قبیل جرایم به وسیله گفتار، رفتار اشخاص و از طریق انتساب کلمات ناشایست به طرف مقابل یا پراکندن عناوین ناروا به طوری که میثیت طرف جرم را فدشده دار سازد صورت می‌گیرد.

کلید واژگان: جرم علیه اشخاص، جرم افترا، قانون جزای لبنان، قانون جزای ایران، مجازات تعزیری. ■

مقدمه

■ یکی از مطالب مهم در حقوق کیفری دسته بندی جرایم است. گاهی اوقات جرایم بر اساس نوع منافع مورد تجاوز به جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و جرایم علیه امنیت تقسیم می‌شوند. بیشتر جرایم اعمالی نظیر توهین، افترا و... می‌باشند که در گروه جرایم فرد^(۱) دسته بندی شده اند روزانه افراد در زندگی خود با آن‌ها روبرو هستند. قبح و زشتی انجام این اعمال نزد مردم در مقایسه با جرایم سنگین نظیر قتل زیاد نیست تا مرتکبین آن‌ها را مستحق مجازات‌های شدید بدانیم. مال به طور مختصر به اشعار جرم افترا که از جرایم تعزیری و قابل گذشت است در قانون این دو کشور می‌پردازیم. ■

محسوب خواهد شد؛ مشروط بر این که نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید.» و در ماده (۲۷۰) آمده: «در صورتی که اسناد دهنده صحت امور متنبه را در محکمه صالحه ثابت نماید از مجازات معاف خواهد بود والا مفتتری است.» پس از تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲ ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات ماده (۲۶۹) را نسخ نمود.

در ماده (۱۴۰) آمده بود: «اگر شاکی در مقام احقاق حق و رفع تظلم از خود علیه کسی شکایت کند و عملی یا امری را صریحاً به او نسبت بدهد که قانوناً جرم است ولی نتواند صحت این اسناد را به اثبات برساند به عنوان مفتتری قابل تعقیب نیست.» اما با تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی جایگزین ماده (۱۴۰) گردید.

در ماده (۶۹۷) چنین مقرر شده است: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن ها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

قانون مجازات عمومی لبنان که مصوب ۱۹۴۳ م می باشد در سه ماده به جرم افترا پرداخته است که عبارتند از:

ماده (۴۰۲): «اگر کسی به قوه قضاییه یا مقامی که ملزم است وقوع جرم را به طریق بیگام رسانی گزارش دهد و مشخص شود که چنین جرمی ارتکاب نیافته، مسبب این جرم به خاطر مباشرت و اقدام به تحقیق مقدماتی یا قضایی یا جعل مدارک عینی به مجازات ۶ ماه حبس و غرامتی به میزان ۵۰ لیره یا یکی از این دو مجازات محکوم می گردد.»

ماده (۴۰۳): «کسی که به قوه قضاییه یا مقامی که ملزم است به طریق بیگام رسانی شکایت یا گزارشی را ارائه دهد و به کسی جنحه یا جنایتی را اسناد دهد و براءت آن شخص مشخص شود یا مدارک عینی در مورد وقوع آن جرم به دروغ نسبت داده شود، مجازات وی حبس ۱ ماه تا ۳ سال می باشد.

اگر عمل تهمت زده شده همراه با جنایتی باشد مفتتری به حداکثر ۱۰ سال اعمال شاقه محکوم

افترا که به باب افتعال رفته است در لغت به معنای نسبت خیانت یا عمل بد به کسی دادن^(۱) و بهتان زدن آمده است و در اصطلاح حقوقی عبارت است از صریحاً فعل مجرمانه ی بر خلاف حقیقت و دروغ را به فرد یا افراد معین به یکی از راه های مذکور در قانون نسبت دادند؛ به این شرط که درستی فعل مجرمانه ی نسبت داده شده در نزد محاکم و مراجع قضایی قابل اثبات نباشد^(۲).

در جوامع مختلف جرم افترا را به عنوان اعمال اهریمنی می شناختند. در ایران قبل از اسلام به گفتار و پندار و کردار نیک توصیه زیادی شده است و در قانون سومری اگر کسی، دیگری را برای انجام فعلی که آن شخص خود از آن اطلاعی ندارد متهم می نمود، در صورت عجز از اثبات می بایست مجازات فردی را که به آن موضوع متهم اش نموده تحمل نماید. در قانون حمورابی چهار مورد، افترا پیش بینی شده بود؛ افترا به عمل مستوجب اعدام، افترا به جادوگری، افترا به سرقت و افترا به عمل خلاف عفت، اسناد دهنده در صورت عجز از اثبات اعمال فوق به همان مجازاتی که برای ارتکاب این اعمال نسبت داده شده، وجود داشت محکوم می گردید. در قوانین زرتشت و یونان، افترا و تهمت در گروه زشت ترین اعمال بوده و در دینت یهود و مسیحیت نیز این اعمال ناپسند شناخته شده است.

در دوران پس از اسلام در تعالیم مقدس دینی دادن نسبت نادرست، فحاشی، غیبت و... به دیگران از جمله گناهان کبیره دانسته شد که در آیات قرآن کریم مورد اشاره و توجه قرار گرفته است^(۳).

فصل دوم - ارکان متشکله بزه افترا

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ دو ماده به شرح زیر به جرم افترا اختصاص یافته بود. ماده (۲۶۹) در این خصوص چنین مقرر می داشت:

«هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبوره یا به وسیله نطق در مجامع به یک یا چند نفر امری را صریحاً نسبت بدهد که مطابق قانون مجازات آن امر جنحه یا جنایت محسوب شود، مفتتری



- یکی از مطالب مهم در حقوق کیفری دستنه بندی جرایم است.
- گاهی اوقات جرایم بر اساس نوع منافع مورد تجاوز به جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و جرایم علیه امنیت تقسیم می شوند.
- پیشتر جرایم اعمالی نظیر توهین، افترا و... می باشند که در گروه جرایم فرد دستنه بندی شده اند.





می شود و اگر این افترا منجر به حکم اعدام یا حبس ابد گردد مجازات اعمال شاقه از ۱۰ سال کمتر نمی شود و ممکنست به ۱۵ سال هم بکشد.» ماده (۴۰۴): «چنان چه مفتری قبل از هر گونه پیگرد قانونی از افترای خود دست بکشد مجازات تعیین شده برای وی در این بخش طبق موارد ماده (۲۵۱) قانون مجازات عمومی کاهش می یابد.»

ماده (۲۵۱): «اگر فعل جنایتی باشد که موجب اعدام یا اعمال شاقه ابدی یا بازداشت ابدی باشد در صورتی که مفتری قبل از هر گونه پیگرد قانونی از افترای خود دست بکشد، مجازات وی تبدیل به حبس حداقل ۱ سال و حداکثر ۷ سال می شود.»

اگر جنایات موجب مجازات هایی غیر از موارد فوق باشد به حبس ۶ ماه تا ۵ سال کاهش می یابد. اگر جنحه باشد از ۶ ماه تجاوز نمی کند.^(۵)»

ماده (۶۹۷) ق.م.ا.ر.کن مادی این جرم انتساب صریح جرمی به

دیگری به هر طریق و وسیله ممکن است. این جرم با فعل مثبت^(۶) واقع می شود نه ترک فعل. رفتار فیزیکی در این جرم اسناد بوده و اسناد می تواند به صورت نوشتاری یا گفتاری یا با ایما باشد ولی اسناد می بایست صریح باشد و مفتری علیه باید شخص معینی باشد؛ لذا وسایلی که به کاربردن آنها برای تحقق این جرم لازم است، نوشتن اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها، درج در روزنامه و جراید و یا نطق در مجامع می باشد. این جرم با توجه به ماده (۲۷۲) از جرایم قابل گذشت بوده و یک جرمی است آنی و مطلق؛ یعنی واقع شدن این جرم وابسته به نتیجه نیست.

رکن مادی این جرم در قانون جزای لبنان بدین صورت است که باید موضوع شکایت یا گزارش متناوباً در قانون وجود داشته باشد. در این خصوص بین گزارش کتبی و شفاهی هیچ فرقی وجود ندارد؛ اگر گزارش دروغ باشد و یا اطلاعاتی که مفتری برای توضیح گزارش یا شکایتش دارد

دروغ باشد و از نتایج تحقیقات قضایی حکم براءت متهم اثبات شود در این جا مسئولیت اثبات جرم موضوع افترا به عهده شاکی است. پس اگر او از صحت آن چه اسناد داده به متهم عاجز ماند، اتهامش دروغ بوده و باید مجازات گردد.

همچنین علم شاکی به براءت مجنی علیه در خصوص افترای که به او نسبت می دهد، برای تحقق افترا کافی است و این که مفتری علیه ایی که به او نسبت افترا زده شده بر فرد مفتری معین باشد؛ حتی اگر نامی از او ذکر نشده باشد بر طبق ماده (۴۰۳)، که تصریح می کند

«و جوب اسناد جرم به یکی از مردمان» (یعنی به شخص معین) به عنوان عنصری از عناصر جرم کافی است. اگر گزارش آنی از طرف مفتری باشد؛ یعنی گزارش صادره خواسته ی خود مفتری و از طرف خودش باشد صرف گزارش آنی در مورد جرم افترا کفایت نمی کند و حتماً مفتری باید شخص مفتری علیه را مشخص نماید.

افترا در قانون جزای لبنان فقط در صورت وجود گزارش خطی که صاحبش آن را امضا کرده صورت می گیرد. اگر گزارش دروغ با متنی بدون امضا باشد در این شرایط عنصر مادی جرم مفقود است؛ در واقع مانند این است که اصلاً مدرک دست نویسی از طرف متقاضی موجود نمی باشد در صورتی که یکی از عناصر جرم موجود نباشد افترا محقق نمی شود و در این صورت برای مسبب دعوی افترا حکم تعلیق پیگیری صادر می شود.^(۷)

رکن معنوی جرم افترا در حقوق جزای ایران و لبنان

رکن معنوی این جرم در حقوق ایران سوء نیت عام است و نیازی به سوء نیت خاص ندارد. علم به کذب بودن اسناد معیار عمل است؛ یعنی مفتری عالماً و عامداً با وجود اطلاع از دروغ بودن آن چه می نویسد یا می گوید اقدام به نسبت دادن آن به دیگری نماید. اما بر اساس قانون لبنان سوء نیت از اوضاع و احوال دادخواست، ملازمات و شرایط آن اقتباس می شود و دادگاه ناظر بر جرم افترا، خودش باید وجود این عناصر را با توجه به شرایط و اوضاع

■ افترا در قانون جزای لبنان فقط در صورت وجود گزارش خطی که صاحبش آن را امضا کرده صورت می گیرد. اگر گزارش دروغ با متنی بدون امضا باشد در این شرایط عنصر مادی جرم مفقود است؛ در واقع مانند این است که اصلاً مدرک دست نویسی از طرف متقاضی موجود نمی باشد.





■ قانون گذار لبنان بر خلاف قانون

گذار ایران با نگرش گسترده تر به این جرم با لفاظی نمودن حداقل و حداکثر مجازات و تفسیر و تشدید مجازات اقدام نموده که این سبب می گردد شخصی که ظاهراً ارتکاب این جرم را ساده می انگارد با مشاهده شدت و مدت مجازات از انبوه آن فوهداری نماید. ■

صاحبش آن را امضاء نموده باشد قابل تحقق می داند؛ در واقع وسیله ارتکاب جرم در اینجا حصری است اما در قانون ایران وسیله ارتکاب جرم تمثیلی می باشد.

در پایان و در قیاس مواد قانونی این جرم در قانون این دو کشور، قانون گذار لبنان برخلاف قانون گذار ایران با نگرش گسترده تر به این جرم با لحاظ نمودن حداقل و حداکثر مجازات و تخفیف و تشدید مجازات اقدام نموده که این سبب می گردد شخصی که ظاهراً ارتکاب این جرم را ساده می انگارد با مشاهده شدت و مدت

مجازات از انجام آن خودداری نماید. در مقابل در تبصره ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی بحث اشاعه فحشا مطرح می باشد که در قانون لبنان به آن اشاره ای نشده است که این خود نشان دهنده اهمیتی است که قانون گذار به منکرات داده تا با اعمال مجازات جلوی ورود خسارت معنوی و شیوع یافتن فساد را از طریق ترویج آن بگیرد.

۱- نوروزی، نادر، جرایم خرد علیه نظم عمومی، مجله دانشکده حقوق و علم سیاسی، ش ۶۶، دی ۱۳۸۵.

۲- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، ج ۸، ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۳۱۲.

۳- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ج ۲، ج ۲، ۱۳۷۳، ص ۲۶۱.

۴- شامیبا تی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات ویستا، ج ۱، ج ۱، ۴۴۹.

۵- نعیم شلالا، نزیه، دراسة مقارنة «من خلال اجتهادات المحاکم و آراء الفقها»، منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۱، ۲۰۰۵، ص ۱۷۴.

۶- گلدوزیان، دکتر ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳.

۷- زکی شمس، محمود؛ الموسوعة العربية للاجتهادات القضائية الجزائية، منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۱۳، ۲۰۰۰، ص ۹۱۶۳.

قزمیه اثبات کند و رأی دادگاه منحصر به منحصص کردن نیت شاکی از شکایت و احراز صحت یا عدم صحت این اعمال می باشد. صرف داشتن سوء نیت عام که همان علم مفتری است در مورد برائت مفتری علیه و کذب بودن اسناد کفایت نمی کند و باید سوء نیت خاص احراز شود که لازم است مفتری در مورد اعمالی که به مفتری علیه نسبت داده اقامه دلیل نماید.

بحث پایانی:

همچنان که ملاحظه شد قواعد مربوط به جرم

افترا در قانون جزای لبنان از بعضی جهات به قانون ایران شباهت دارد:

۱- رفتار فیزیکی مادی، اسناد جرم است؛

۲- دادن نسبت افترا به شخص معینی؛

۳- تحقق یافتن این جرم با فعل مثبت.

در وجوه افتراق میان قانون این دو کشور این که، قانون گذار لبنان از باب عنصر قانونی در ماده (۴۰۳) مجازات افترا را که منجر به حکم اعدام یا حبس ابد گردد از حداقل ده سال به حداکثر پانزده سال اعمال شاقه افزایش داده است که در این جا بحث حداکثر مجازات یا همان تشدید مجازات اعمال گردیده؛ در حالی که قانون گذار ایران چنین شرایطی را عنوان نموده است، در ماده (۴۰۴) قانون جزای لبنان آمده دست برداشتن مفتری قبل از پیگرد قانونی موجبات تخفیف مجازات را به همراه دارد. در ماده (۲۵۱) نیز بین این دو حالت تفکیک به عمل آمده؛ اگر مجازات جرم خلاف واقعی که به مفتری علیه نسبت داده شده سبب اعدام باشد، مجازات مفتری سنگین و اگر غیر اعدام باشد، مجازات سبک تر و اگر جنحه باشد، حداکثر مجازات شش ماه است.

در واقع این ماده قانونی به طور مجزا به این جرم اختصاص یافته اما در مورد اتخاذ تخفیف در مورد این جرم، در قانون ایران ماده جداگانه ای تنظیم نگردیده بلکه صرفاً ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی که در باب کیفیات مخففه می باشد، وجود دارد که در صورت تحقق شرایط ذکر شده در این ماده بطور عام برای کلیه جرایم تعزیری قابلیت اجرایی دارد همچنین از نظر عنصر مادی مقنن لبنان افترا را فقط از طریق گزارش خطی که

توضیح و تصحیح:

قابل توجه مخاطبین محترم ماهنامه دادرسی

بدین وسیله به اطلاع می رساند در شماره ۶۷ این ماهنامه مقاله ای تحت عنوان نقدی بر مرخصی سردفتران و دفتریاران بنام آقای محمد مهدی کریمی نیا به چاپ رسید که مؤلف آن آقای عوض نگهداری می باشد، ضمن پوزش تصحیح می گردد.

دادرسی